

آیا اشغال نظامی ایران در جنگ جهانی دوم یک عملیات مرکب بود؟

«ادامه از شماره ۱۰»

سید ناصر حسینی^۱

اوضاع ایران

در نیمه اول ماه ژوئیه ۱۰/ تا ۲۵ تیر، سیاستی که می‌بایست در قبال رفتار نامساعد دولت ایران راجع به اخراج اتباع دول محور از این کشور اتخاذ شود، توسط دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان و دولت شوروی مورد بررسی قرار گرفت؛ و در ۲۲ ژوئیه / ۳۱ تیر، به ژنرال کینان دستور داده شد که برای اشغال آبادان و نفت شده و متعاقباً مناطق نفت خیز جنوب غربی ایران آماده باشد. در ۲۴ ژوئیه / ۲ مرداد اطلاع حاصل شد که دولت انگلستان با پیشنهاد مربوط به اعمال فشار سیاسی مشترک انگلیس و شوروی به ایران، همراه با نمایشی از قدرت نظامی، جهت تامین امکانات اخراج اتباع دول محور از این کشور موافقت کرده است تا چنانچه فشار سیاسی به شکست بیانجامد، منظور فوق با استفاده از قوه قهریه تحقق یابد. از این رو به ژنرال کینان دستور داده شد اقدامات اولیه را برای انجام مقاصد زیر معمول دارد.

۱- استقرار یک نیروی ضربتی در مرز ایران در منطقه بصره، متشکل از:

- یک لشکر پیاده نظام هندی

- یک تیپ سواره نظام موتوریزه

- دو هنگ زرهی هندی

- یک اسکادران امدادی از نیروی هوایی سلطنتی

هدف نیروهای فوق اشغال مناطق نفت خیز و پالایشگاه آبادان تعیین شد.

۲- استقرار یک واحد نیروی دریایی- زمینی در راس خلیج فارس مرکب از سه یا چهار ناوچه جنگی و دو گروهان پیاده نظام برای اشغال بندر شاهپور تصرف تاسیسات بندری و توقیف کشتی های متوقف در این بندر.

ژنرال کینان دستور یافت که قوای فوق الذکر را تا هفته دوم اوت/ ۱۷ تا ۲۳ مرداد، برای پیشروی به داخل ایران آماده سازد. لیکن برای تمرکز نیرو در منطقه بصره تا وصول دستور ثانوی تامل کند. وی همچنین مامور شد که برای اعزام نیروی کوچکی جهت تصرف مناطق نفت خیز نفت شاه و اعزام یک گردان پیاده برای اشغال بوشهر آماده شود.

به منظور انجام عملیات فوق تیپ چهارم سواره نظام فلسطین (که بعدها تیپ نهم زرهی نامیده شد) در اختیار فرمانده کل قوای بریتانیا قرار گرفت. همچنین به ژنرال کینان دستور داده شد با تماس مستقیم با فرماندهی قوای فلسطین و ماوراء اردن ترتیب نقل و انتقال واحد مزبور را بدهد. در ۸ اوت/ ۱۷ مرداد، ژنرال کینان طرح عملیاتی خود را به شرح زیر ارائه کرد:

الف- ماموریت لشکر هشتم هندی (به فرماندهی ژنرال هاروی):

۱- تصرف پالایشگاه آبادان در سپیده دم توسط تیپ بیست و چهارم پیاده نظام هندی، به فرماندهی سرتیپ فلمینگ، که از کناره شط العرب حرکت کرده و توسط ناوگان سلطنتی پشتیبانی خواهد شد.

۲- تصرف خرمشهر توسط یک گردان از تیپ بیست و چهارم پیاده نظام هندی با حمایت اسواران سواره نظام شناسایی که از راه زمین (از تنومه مقابل بصره) حرکت خواهد کرد.

۳- پیشروی همزمان تیپ بیست و پنجم پیاده نظام هندی به (فرماندهی سرتیپ موتین) و واحد سیزدهم سواره نیزه دار از تنومه تا اهواز و از آنجا به مناطق نفت خیز هفتگل، و اعزام دسته هایی به کوت عبدالله و تلمبه خانه های دارخوین.

۴- کلیه واحدهای فوق از سپیده دم توسط نیروی هوایی سلطنتی پشتیبانی خواهند شد.

ب- ماموریت تیپ دوم زرهی هند (به فرماندهی سرتیپ ایزل وود):

۱- تصرف همزمان نفت شاه و قصر شیرین که موضع اخیر توسط یگان ۱۴/۲۰ م.م سواره نظام سبک (اسلحه) اشغال خواهد شد.

آیا اشغال نظامی ایران در جنگ جهانی دوم یک عملیات مرکب بود؟..... ۹۵

۲- با تصرف نفت شاه باید پیشروی سریعاً به سمت منطقه گیلان غرب و آمادگی برای حرکت به طرف شاه آباد (اسلام آباد) به عنوان مقدمه پیشروی عمومی به سمت کرمانشاه انجام گیرد. چنانچه لازم باشد، تیپ نهم زرهی (به فرماندهی سرتیپ تیادکس) در نبرد و عملیات شرکت خواهد کرد. جز در مواقعی که پیشروی با مقاومت شدید روبه‌رو شود، هیچگونه پشتیبانی هوایی به عمل نخواهد آمد.

۳- عملیات بندر شاهپور (امام) نیز بایستی طبق طرح، همزمان با سایر اقدامات عملیاتی انجام شود. بدین منظور دو گروهان از گردان دوم هنگ دهم بلوچ در ۱۱ اوت / ۲۰ مرداد پس از غروب آفتاب به کشتی نیروبر کانیمبلا سوار شده و همان شب عازم گردیدند. تیپ نهم زرهی فلسطین نیز در همین روز به کرکوک و خانقین رسید.

عملیات در ایران:

در ۲۹ ژوئیه / ۷ مرداد از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع رسید که یک یادداشت مشترک انگلیس و شوروی در تاریخ ۱۲ اوت جهت دولت ایران ارسال خواهد شد. جریان به ژنرال کینان نیز اطلاع داده شد که تا آن تاریخ مقدمات تمرکز نیروهای خود را فراهم سازد. ژنرال کینان فرمانده نیروهای فلسطین و ماورای اردن اطلاع داد که برای عملیات محوله، به تیپ نهم زرهی نیاز دارد و پیشنهاد کرد که برای غافلگیر کردن حریف این واحد ابتدا در کرکوک مستقر شود. وی سپس دستور حرکت و نقل و انتقال نیروها را به نحو زیر صادر کرد:

- واحد سیزدهم سواره نیزه‌دار از سوریه و یک گروه سواره نظام اکتشافی به سوی شیبه جهت الحاق به لشکر هشتم زرهی هندی.

- تیپ بیست و پنجم پیاده نظام هندی (منها) از سوریه به شیبه.

- تیپ بیست و چهارم پیاده نظام هندی که قبلاً در شیبه مستقر شده بود و تیپ هجدهم پیاده نظام هندی که قرار بود در تاریخ ۱۰ اوت از هند وارد شود، لشکر هشتم زرهی هندی را کامل می‌کرد.

- از یگان‌های ۱۴/۲۰ م.م سواره نظام سبک (اسلحه) نیز در منطقه نفت شاه استفاده خواهد شد.

ژنرال کینان تصمیم گرفت که کلیه عملیات در جنوب ایران، از جمله تصرف آبادان را تحت فرماندهی ژنرال هاروی، فرمانده لشکر هشتم هندی، قرار دهد. عملیات مربوط به منطقه نفت شاه (نفت شهر) تحت فرماندهی سرتیپ ایزل وود، فرمانده تیپ دوم زرهی هندی، قرار گرفت که مقرر بود افراد آن از دسته دوم تیپ زرهی هندی (منهای دوهنگ)، دو گردان پیاده و یک واحد توپخانه متوسط تشکیل شود. علاوه بر این به واحدهای هوایی زیر نیز برای عملیات در جنوب ایران آماده باش داده شد که تا روز ۱۲ اوت / ۲۱ مرداد به شبیه منتقل شوند.

- یک اسکادران امدادی متشکل از هواپیماهای وینسنت

- یک اسکادران هواپیمای شکاری هاریکن

- یک اسکادران هواپیمای بمب افکن بلنهایم

- شش فروند هواپیمای بمب افکن و حمل و نقل

ارسال یادداشت مشترک انگلیس و شوروی چندبار به تعویق افتاد تا بالاخره در ۱۷ اوت / ۲۶ مرداد به دولت ایران تسلیم شد. در ۲۱ اوت / ۳۰ مرداد از دولت انگلیس اطلاع رسید که پاسخ ایران به تذکاریه ارسالی رضایت بخش نیست و پیشروی نیروهای انگلیس و شوروی به داخل خاک ایران احتمالاً روز ۲۲ اوت / ۳۱ مرداد آغاز خواهد شد. متعاقباً تیپ نهم زرهی مامور شد که در ۲۲ اوت به سمت خانقین حرکت کند، لیکن به علت ملاحظاتی که دولت شوروی نشان داد، این حرکت به تاخیر افتاد و تاریخ قطعی پیشروی ۲۵ اوت / ۳ شهریور تعیین شد.

با توجه به اینکه استقرار نیروها تا اوت کامل شده بود، درنگ و تاخیر بسیار، امکان غافلگیر کردن حریف را به میزان زیادی کاهش داد و بدیهی است که دولت ایران پیشروی سریع قوای انگلیس را به سمت خوزستان کاملاً پیش‌بینی می‌کرد و قوای کمکی ایران شامل تانک‌های سبک و متوسط به سمت اهواز در حال حرکت بود.

نیروهای ایرانی که احتمال داشت در برابر پیشروی ما مقاومت کنند به شرح زیر برآورد می‌شد:

در منطقه اهواز - آبادان و خرمشهر:

- لشکر ششم خوزستان.

- یک لشکر مختلط، متشکل از واحدهای اعزامی از تهران.

- شانزده تانک سبک.

- دو زره پوش، دو ناو، سه ناوچه توپدار و چهار فروند هواپیما.

در منطقه صحنه - کرمانشاه:

- لشکر پنجم کردستان

- لشکر دوازدهم کرمانشاه

- یک لشکر مختلط اعزامی از تهران

- یک تیپ ضعیف از لشکر سیزدهم، که از اصفهان عزیمت کرده و در راه بود.

پیشروی در ایران در تاریخ ۲۵ اوت/۳ شهریور آغاز، و عملیات طبق نقشه اجرا شد. تیپ بیست و چهارم پیاده نظام هندی (منها) پس از غروب آفتاب روز ۲۴ اوت/۲ شهریور در ناوهای نیروبر سوار، و ساعت چهار و ده دقیقه صبح روز بعد در آبادان پیاده شد. بیشتر نیروهای ایران در سربازخانه‌ها خواب بودند و پس از بیدار شدن با کامیون‌ها متواری شدند. اما در طول اسکله‌ها مقاومت شدیدی به وسیله واحدهای مسلسل سنگین، که مواضع بسیار مناسبی داشتند، به عمل آمد. متعاقب آن نبرد خیابانی در گرفت و عقب راندن نیروهای ایرانی، بدون لطمه رساندن به ساختمان‌های پالایشگاه، بسیار مشکل بود. عملیات پاکسازی اطراف پالایشگاه تا ساعت ۱۷ روز ۲۵ اوت/۳ شهریور همچنان ادامه یافت. چون در آن روز فرصتی برای اتمام عملیات پاکسازی شهر آبادان و منطقه مسکونی با وارده نبوده، یک نوار محافظ دور تاسیسات پالایشگاه کشیده شد و نیروها به مراقبت پرداختند. دو روز بعد تخلیه جزیره آبادان از قوای مخالف انجام شد.

تیپ هجدهم پیاده نظام هندی (منها) که یک گردان از تیپ بیست و چهارم پیاده نظام هندی، یک گروه سوار نظام گشتی و یک واحد توپخانه صحرایی و تیپ بیست و پنجم پیاده نظام هندی و همچنین واحد سیزدهم سوار نیزه دار تحت فرماندهی داشت با مقاومت مختصری روبرو شد.

تیپ هیجدهم پیاده نظام هندی در طول شب ۲۴-۲۵ اوت/۳ شهریور از مبدا تنومه پیشروی خود را آغاز کرد و با عبور از صحرا به سمت شمال و گذشتن از موانع آبی و مقاومت‌های پراکنده در ساعت چهار و ده دقیقه صبح به خرمشهر رسید. اما عملیات به علت ورود تعداد قابل توجهی اعراب مسلح که از میان نخلستان‌های به صحنه نبرد پیوسته بودند به تاخیر افتاد. روز ۲۶ اوت/۴ شهریور یک پل شناور روی رودخانه کارون مستقر شد و تیپ هیجدهم پیاده توسط یک گروه موتوری

حمل و نقل نظامی تا بعد از ظهر ۲۷ اوت / ۵ شهریور به آن طرف رودخانه منتقل گردید و سپس با پشت سر گذاشتن تلمبه خانه دارخوین نا نقطه ای در نیمه راه اهواز پیشروی کرد.

تیپ بیست و پنجم پیاده نظام هندی از تنومه شروع به پیشروی کرده و در نیمه روز ۲۵ اوت / ۳ شهریور قصر شیخ را تصرف کرد و از آنجا به پشتیبانی جناح شمال تیپ هیجدهم و تیپ بیست و پنجم اقدام و پیشروی به ترتیب در ساحل شرقی و غربی رود کارون در نخستین ساعات روز ۲۸ اوت / ۶ شهریور آغاز شد. نیروهای ما در این منطقه با مقاومت مختصری مواجه شدند، لیکن هنگامی که این نیروها به اهواز نزدیک می شدند خبر فرمان آتش بس که از طرف شاه ایران صادر شده بود توسط یک فرستاده ایرانی واصل گشت و فرمانده ایرانی دستور داد تا افراد به سربازخانه‌های خود در اهواز برگردند.

یک گروهان پیاده نظام در ساعت هفت صبح ۲۵ اوت / ۳ شهریور با شش هواپیمای حمل و نقل از نوع والتیا در هفتگل برای حفاظت از مناطق نفت خیز این ناحیه و مشایعت زنان و کودکان انگلیسی و هندی در مناطق اصلی نفت خیز (مسجد سلیمان تا هفتگل) فرود آمد؛ دو هواپیما به هنگام فرود آسیب دید اما تلفات جانی رخ نداد.

عملیات مربوط به بندر شاهپور با کمال موفقیت در ۲۵ اوت / ۳ شهریور انجام شد. دو گروهان از گردان سوم هنگ دهم بلوچ (به فرماندهی سرگرد مکس ول) با کشتی مختلط بازرگانی و جنگلی کانیمبلا (به فرماندهی کاپیتان ادامز) که در شب ۱۱-۱۲ اوت از بصره حرکت کرده بود تا روز ۲۴ اوت در خلیج فارس بحریمایی کرده و در ساعات اول روز ۲۵ اوت به اسکله بندر شاهپور (امام) رسید.

گروهان اول در ساعت ۷/۱۵ دقیقه در خشکی پیاده شد و پس از مواجهه با مقاومت مختصری در ساعت ۸/۳۰ که گروهان دوم پیاده شد، بندر شاهپور (امام) را تصرف کرد.

در این ضمن، عملیات در منطقه نفت شاه (نفت شهر) در گردنه پاتاق بسیار تقویت شده بود. تیپ نهم زرهی در ۲۲ اوت از کرکوک وارد خانقین شد و تحت فرماندهی سرتیپ ایزل وود قرار گرفت و ستونی به نام «نیروی هازل» متشکل از گروه دوم تیپ زرهی هندی (منهای دو هنگ)، تیپ نهم زرهی (مجهز به کامیون بدون زره) و گردان اول از واحد پنجم تفنگداران و گردان دوم از واحد هفتم تفنگداران ایجاد شد.

در ۲۳ اوت ژنرال اسلیم، فرمانده لشکر دهم هندی، در بازگشت از سوریه به فرماندهی عملیات در مغرب ایران منصوب شد و تیپ بیست و یکم پیاده نظام (منها) هندی و هنگ توپخانه صحرائی ۱۵۷ م.م مستقر در حبانیه در اختیار او قرار گرفت و دستور یافت که به سمت خانقین حرکت کند. ژنرال اسلیم در غروب ۲۴ اوت / ۲ شهریور، با تعدادی از اعضای ستاد خود وارد خانقین شد و تصمیم گرفت که در نقشه سرتیپ ایزل وود برای تصرف نفت شاه و پیشروی به سمت شاه آباد از طریق گیلان غرب تغییری ندهد. وی همچنین تصمیم گرفت که با استفاده از تیپ بیست و یکم پیاده نظام هندی از طریق دور زدن گیلان غرب، گردنه پاتاق را تصرف کند. مناطق نفت خیز نفت شاه، پس از مقاومت مختصری، در ساعات اولیه روز ۲۵ اوت / ۳ شهریور تصرف شد.

واحدهای سواره نظام سبک (اسلحه) ۱۴/۲۰ م.م پس از یک راه پیمایی طولانی شبانه در ساعت ۴/۴۵ روز ۲۵ اوت، ارتباط قصر شیرین با شمال غربی، شمال و مشرق را قطع کردند و در ساعات اول روز این شهر توسط ستونی که از طرف جنوب پیش می آمد اشغال گردید. این ستون به پیشروی خود ادامه داد و در ساعت ۱۵/۳۰ همان روز به سرپل ذهاب، در پنج مایلی (هشت کیلومتری) مغرب گردنه پاتاق رسید.

در این ضمن ستون دیگری خانقین را مستقیماً به سمت گیلان غرب ترک کرد. این ستون تا حومه شرقی گیلان غرب با مقاومتی مواجه نشد، اما در این منطقه، به علت مواجهه با شلیک گلوله های تفنگ، توپ و سلاح های ضد تانک، تا هنگام شب متوقف گردید، سه بار تلاش برای پیشروی با تانک های سبک قبل از پایان روز با شکست مواجه شد.

در طول شب قوای ایران در موقعیت خود در پناه موانع ضد تانک در شرق گیلان غرب باقی ماندند ولی در نیمروز ۲۶ اوت ناچار به عقب نشینی شدند. پیشروی از گیلان غرب به سمت شاه آباد (اسلام آباد) در ۲۶ اوت ادامه یافت. گرچه در طول جاده مواضع دفاعی بسیار خوبی وجود داشت اما جز چند مورد راه بندان هیچ گونه مقاومتی به عمل نیامد. در ساعت ۷ صبح ۲۷ اوت / ۵ شهریور شاه آباد (اسلام آباد) اشغال شد.

در این احوال گردنه پاتاق، که طبق گزارش هایی که رسیده بود، به شدت محافظت می شد، توسط واحدهای نیروی هوایی سلطنتی در غروب ۲۶ اوت بمباران گردید. تیپ بیست و یکم پیاده نظام

هندی (منها) در شب ۲۵-۲۶ اوت به سرپل ذهاب رسید و راه‌های تصرف گردنه را مورد بررسی قرار داد. سربازان ایرانی در شب ۲۶-۲۷ اوت با شتاب گردنه را ترک کردند، و تیپ ۲۱، بدون برخورد با مقاومتی، در ۲۷ اوت تا کردند پیش رفت و در آنجا به گشتی‌هایی که بعد از ظهر همان روز از طریق شاه آباد (اسلام آباد) و از تیپ نهم زرهی به آن ناحیه اعزام شده بودند ملحق گردید.

طی شناسایی‌هایی که روز ۲۵ اوت انجام شد معلوم گردید که سربازان ایرانی در ارتفاعات مشرف به قریه زیبری واقع در مسیر جاده شاه آباد- کرمانشاه موضع گرفته‌اند. صبح روز ۲۸ اوت توپخانه ایران از موضع جاده غربی، زیبری را بدقت زیر آتش گرفت. از این رو مقدمات حمله به این موضع فراهم شد و قرار بود که در ساعت ۱۰ حمله آغاز شود. لیکن قبل از شروع عملیات، یک افسر ایرانی با پرچم سفید وارد شد و تقاضای ترک محاصره کرد؛ این تقاضا مورد موافقت قرار گرفت.

هنگامی که ژنرال اسلیم هنوز در زیبری مشغول مذاکره درباره شرایط مصالحه با فرستاده ایرانی بود ژنرال کینان وارد شد. او نیز با شرایط ترک محاصره موافقت کرد. وی همچنین به ژنرال اسلیم دستور داد که پیشروی کند و کرمانشاه را، به منظور حفاظت از پالایشگاه و کارخانه حلب پرکنی آن، اشغال کند.

منطقه پالایشگاه در ۲۹ اوت / ۷ شهریور توسط یک ستون اعزامی اشغال شد و در ۳۰ اوت بقیه افراد تیپ های دوم و نهم زرهی به کرمانشاه رسیدند.

مجموعه تلفات ما طی عملیات نظامی از ۲۵ تا ۲۸ اوت در ایران به شرح زیر بود:

۳ مجروح	۵ کشته	- افسران انگلیسی
۱ مجروح	۱ کشته	- افسران وابسته به نیابت سلطنت هند
۴ مجروح	۱ کشته	- سایر نظامیان انگلیسی
۳۴ مجروح	۱۵ کشته	- سایر نظامیان هندی
۴۴ مجروح	۲۲ کشته	- جمع کل

آیا اشغال نظامی ایران در جنگ جهانی دوم یک عملیات مرکب بود؟..... ۱۰۱

در ۲۹ اوت / ۷ شهریور به ژنرال اسلیم در کرمانشاه دستور داده شد که نیروی تحت فرماندهی سرتیپ ایزل وود، متشکل از واحدهای سواره نظام سبک (اسلحه) ۱۴/۲۰ م.م، یک گردان گروخای هندی و یک گروه توپخانه با واحدهای کمکی به منظور الحاق به نیروهای شوروی به همدان اعزام نماید. در این هنگام گزارش رسید که نیروهای شوروی از طرف صحنه به سمت همدان و واحدهای دیگر به سمت قزوین اعزام شده اند. این واحدها در ساعت ۲۲ روز ۲۹ اوت در صحنه و بعد از ظهر ۳۱ اوت در جنوب قزوین با نیروهای شوروی الحاق انجام دادند.

۴۷. در ۲۹ اوت / ۷ شهریور به فرمانده کل قوای عراق دستور داده شد تا نظرات و طرح خود را برای ادامه عملیات در ایران گزارش کند. او اقدامات زیر را پیشنهاد کرد:

(۱) نیروهای انگلیسی در همدان، کرمانشاه، شاه آباد و از آنجا در طول خط مواصلات تا خانقین مستقر شوند.

(۲) ضمن استقرار ستاد در اهواز، خوزستان با حداقل قوا در اشغال نگاه داشته شود. در صورت لزوم می توان واحدی برای حفاظت از راه آهن، در سلطان آباد (اراک) مستقر کرد.

(۳) آن مقدار از نیروها که در ایران مورد نیاز نیست به عراق منتقل شود.

از سوی دیگر، در اثر کمبود وسایط نقلیه موتوری، استقرار هیچ واحدی دورتر از همدان امکان پذیر نبود. این کمبود با ورود لشکر پنجم هندی (منها) در تاریخ ۶ سپتامبر به عراق، که فاقد وسایط نقلیه بود، تشدید شد. این لشکر طبق تصمیم قبلی، هنگامی که احتمال انجام عملیاتی در ایران می رفت، به عنوان یک نیروی اضافی، از خاورمیانه به عراق اعزام شده بود.

فرمانده کل قوای هند در تاریخ ۲۱ اوت وارد بغداد شد و طرح فوق را تایید کرد و به ژنرال کینان دستور داد که به قوای شوروی در ایران تماس نزدیک برقرار کند.

از اول سپتامبر / ۱۰ شهریور به بعد گزارش هایی مشعر بر اینکه بعضی قبایل در کردستان ایران اغتشاش کرده اند دریافت می شد؛ و با آنکه تیپ نهم زرهی از صحنه و کرمانشاه و همچنین تیپ ۲۱ پیاده نظام هندی، در طول خط مواصلاتی بین کرمانشاه و خانقین فعالانه به عملیات گشتی می پرداختند اوضاع به سرعت وخیم می شد. مقدار قابل توجهی اسلحه و مهمات که توسط سربازان فراری ارتش ایران مخفی و یا به عشایر فروخته شده بود، جمع آوری شد.

در ۷ سپتامبر/۱۶ شهریور گروه کوچکی از سربازان انگلیسی و سرهنگ پوپوف از هیات شوروی برای تماس با سربازان شوروی به ساوجبلاغ اعزام گردیدند.

در ۹ سپتامبر/۱۸ شهریور دستور داده شد که تیپ نهم زرهی (منها) همراه با یک گردان پیاده نظام هندی در اسرع وقت برای حرکت به سمت تهران آماده شود.

واحد سیزدهم سواره نظام نیزه‌دار که از خوزستان احضار شده بود، در ۱۲ سپتامبر/ ۲۱ شهریور وارد کرمانشاه شد و روز بعد، به استثنای یک اسواران که برای ماموریت در منطقه کرمانشاه- صحنه تعیین شده بود، به سمت همدان حرکت کرد.

چون قرآنی در دست بود که نشان می‌داد ایرانی‌ها مایل نیستند تقاضای ما را برای تسلیم اتباع دول محور بپذیرند، در ۱۴ سپتامبر/ ۲۳ شهریور وزارت جنگ انگلستان اطلاع داد که بایستی پس از مذاکره و توافق با فرمانده قوای شوروی هرچه زودتر پیشروی مشترک شوروی و انگلیس به سوی تهران انجام شود، لذا با ساعت ۳ بعدازظهر روز ۱۷ سپتامبر/ ۲۶ شهریور برای آغاز پیشروی موافقت کردند، به این ترتیب که انگلیسی‌ها از جنوب و شورویها از مشرق و مغرب وارد شوند. این برنامه طبق نقشه عملی شد و طی پیشروی روابط ما با نیروهای شوروی صمیمانه بود. در این اوقات خوزستان آرام بود و کلیه نیروهای نظامی به استثنای یک تیپ پیاده نظام و یک واحد توپخانه صحرائی به عراق بازگشتند.

اما در کردستان زد و خوردهایی بین دستجات کرد و نیروهای ایرانی که در قلاع مختلف مستقر بودند ادامه داشت و برای تقویت روحیه فرمانده ایرانی در کرمانشاه فعالیت واحدهای گشتی در آن منطقه ادامه یافت.

ستاد لشکر ششم هندی، به فرماندهی ژنرال تامسون، در ۱۲ سپتامبر با تیپ بیست و هفتم پیاده نظام وارد بصره شد و ماموریت یافت که به جای لشکرهای هشتم و دهم هندی که به ترتیب از خوزستان تا غرب ایران مستقر بودند، انجام وظیفه کند.

علی‌رغم زمستان استثنایی بسیار سخت، عملیات ساختمانی استحکامات پیشرفت قابل توجه داشت و در عین حال اقدامات زیر نیز بطور مداوم ادامه یافت:

(۱) توسعه پایگاه اصلی بصره، شبیه و پایگاه‌های مقدم بغداد و کرکوک و اهواز.

(۲) ساختمان فرودگاه و تاسیسات فرعی در شمال عراق و ایران.

۳) توسعه خطوط مواصلات از طریق مرمت جاده‌ها، راه آهن و راه‌های آبی در عراق و ایران.

۴) توسعه بندر ام‌القصر و بندر شاهپور در خلیج فارس.

۵) ایجاد شبکه‌های تلگراف در عراق و ایران.

تجزیه و تحلیل

قبل از هر چیز این نکته را متذکر می‌شویم که، بی‌تردید تجزیه و تحلیل اسناد فوق به‌دور از هرگونه تعصب ملی و احساسات میهنی و صرفاً از دیدگاه کارشناسی و فنی صورت می‌گیرد، و بیشتر برای این است که روشن کنیم که آیا عملیات اشغال ایران یک عملیات طرح‌ریزی شده بوده است؟ یا به‌طور تصادفی اقدامات عملیاتی این چنین هماهنگ و بدون هرگونه تشیی انجام گردیده است. بنابراین از سایر مسایل سیاسی، اجتماعی و نظامی مربوط به آن دوره که از نظر تعداد و اهمیت در تاریخ معاصر ایران قابل توجه نیز می‌باشد عبور می‌کنیم و پرداختن به آنها را به زمان دیگر واگذار می‌نماییم.

عملیات مرکب همانطور که گفته شد توسط ارتش‌های دو یا چند کشور با هماهنگی کامل، تحت فرماندهی واحد انجام می‌شود و عملیات اشغال ایران در زمان جنگ جهانی دوم توسط ارتش‌های شوروی (سابق) و انگلیس چنین ویژگی را داراست اما فرماندهی آن به‌صورت روشن و علنی اعلام نگردیده است؛ لیکن اسناد موجود ثابت می‌کند که اولاً این عملیات به‌صورتی کاملاً هماهنگ، منسجم و از قبل طراحی شده و به‌عنوان یک عملیات مرکب بوده و ثانیاً فرماندهی واحد و حساب شده‌ای از سوی نیروهای انگلیسی بر روح این عملیات حاکم بوده است و احتمالاً عدم اعلام رسمی آن به دلایل خاصی که همانا پیشگیری از بروز تنش بین دو کشور، که هم به‌عنوان همکار و هم به‌عنوان رقیب یکدیگر بوده‌اند می‌باشد. لذا برای اثبات این مدعا تنها به پنج مورد از اسنادی که در این رابطه وجود دارد اشاره می‌گردد.

۱- اقدامات قبل از آغاز عملیات مثل عملیات روانی از سوی رادیو مسکو و رادیو بی‌بی‌سی هماهنگی دارد و نقل و انتقالات و تحرکات نیروها در جوار مرزهای شمالی و جنوبی و غربی ایران از سوی شوروی در شمال شرق و شمال غرب و از طرف نیروهای انگلیسی در جنوب و جنوب غرب کاملاً شبیه به هم است.

۲- در مورد انتخاب راه مواصلاتی برای کمک به روسیه شوروی مقامات این کشور در تابستان ۱۳۲۰/۱۹۴۱ اصرار داشتند که راه‌های دریای سفید و قطب شمال (از طریق مورمانسک و آرخانگلسک) با توجه به فاصله و امکانات بارگیری، مناسبترین راه رسانیدن کمک به شوروی می‌باشد. (برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: الهی، ۱۳۶۵ صص ۱۰۷)

اما مقامات آمریکایی و انگلیسی مخالف این عقیده هستند و معبر ایران را بهترین، کوتاه‌ترین و امن‌ترین راه که دارای راه‌های مواصلاتی دریایی، زمینی (شوسه) و ریلی مناسب می‌باشد که به ذخایر انرژی و سوخت منطقه نیز تسلط و دسترسی دارد و از سوی دیگر به مناطق استعماری انگلیس در شبه قاره نزدیک بوده که از نظر تامین لجستیک و نیروی انسانی هندی و هم‌تأمین حاشیه امنیت برای این مستعمرات مناسب تشخیص داده شد. بنابراین خواسته و اراده نخست‌وزیر انگلیس (چرچیل) حاکم و اعمال گردید و استالین به این خواسته تن در داد. (همان، صص ۱۱۰)

۳- به استناد بند ۳۳ گزارش ژنرال «سرآرچیبالد ویول» انتخاب زمان دقیق عملیات اشغال ایران قبلاً از سوی انگلیسی‌ها ۳۱ مرداد تعیین شده بود که بعداً بنا به درخواست نیروهای شوروی با تاخیر در ۲۵ اوت / ۳ شهریور انجام گردیده است.

۴- نیروهای روسی و انگلیس در این عملیات همکار و رقیب یکدیگر بوده‌اند لذا وقتی در صحنه به ژنرال اسلیم خبر می‌رسید که نیروهای شوروی در فاصله ۱۴۰ کیلومتری همدان هستند، علیرغم اینکه خبرهای انگلیسی خسته بوده و نیاز استراحت داشتند اما از ترس اینکه مبادا در بیرون راندن نیروهای شوروی از همدان دچار مشکل شوند. بلافاصله برای پیشی گرفتن از روسها عملیاتی طراحی می‌شود و به سرعت اقدام به اشغال همدان می‌کنند تا نقطه الحاق همان قزوین باشد. (استوارت، صص ۲۶۴)

بنابراین اینجا هم نیروهای انگلیسی بطور کاملاً زیرکانه‌ای درصدد هستند تا ابتکار عملیات را در دست خود نگهدارند.

۵- عملیات اشغال ایران بعدها با امضاء یک پیمان سه جانبه بین ایران و انگلیس و شوروی (سابق) صورت رسمی به‌خود گرفت و در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۲۰ / دسامبر ۱۹۴۱ نیز نیروهای آمریکایی در پناه سربازان انگلیسی بدون هرگونه هماهنگی قبلی با دولت ایران شده و حلقه اشغال نظامی ایران توسط متفقین را در جهت کمک‌رسانی به نیروهای شوروی در مقابل نیروهای آلمانی و دول

آیا اشغال نظامی ایران در جنگ جهانی دوم یک عملیات مرکب بود؟..... ۱۰۵

محور کامل کردند. در هر حال تعداد قابل توجهی از این قبیل اسناد در تاریخ معاصر ایران موجود است که ظن فرماندهی نیروهای انگلیسی بر عملیات مرکب اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ را تقویت می کند.

منابع:

- ۱- الهی، همایون، (۱۳۶۵)، اهمیت استراتژی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- ۲- استوارت، ریچارد، (۱۳۷۰)، در آخرین روزهای رضاشاه، عبدالرضا هوشنگ مهدوی / کاوه بیات، تهران، انتشارات معین
- ۳- تیراثیان، صفاء الدین، (۱۳۷۱)، ایران در اشغال متفقین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران
- ۴- جرچیل، (۱۳۴۷)، آمریکا در جنگ، ج ۳. ترجمه تورج فرازند، تهران، انتشارات نیل
- ۵- درینیک، ژان پی یر، (۱۳۶۸)، خاورمیانه در قرن بیستم، فرنگیس اردلان، تهران، انتشارات جاویدان
- ۶- مکی، حسطن، (۱۳۷۴)، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۷، تهران، انتشارات علمی